

راننده لودر
علی حسینی منجزی



نشر دارخوین

اصفهان / ۱۳۹۱

سرشناسه: حسینی منجزی، علی. ۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور: راننده لودر / علی حسینی منجزی.

مشخصات نشر: اصفهان: نشر دارخوئین، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: قطع رقعی، ۱۴۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۸۱۳-۰۰۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: حسینی منجزی، علی ۱۳۴۳ — خاطرات

موضوع: داستان‌های فارسی — قرن ۱۴

موضوع: جنگ ایران و عراق ۱۳۵۹-۱۳۶۷ — خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق ۱۳۵۹-۱۳۶۷ — روحانیت

رده‌بندی کنگره: ۹۱۳۹۰ و ۹۸۲۵/س PIRA۰۲۲

رده‌بندی دیوبی: ۸۶۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۴۱۵۶۹

رأنده لودر

علی حسینی منجری

ناشر: دار خورین

مدیر تولید: جانمراء احمدی

صفحه آرا: عبدالحمید امانی

چاپ : شریعت، قم

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۸۲۲-۹

مرکز بخش: اصفهان، نشر دارخوین، تلفن: ۰۳۱۱۳۳۵۷۸۷۹ همراه: ۰۹۱۳۷۸۷۳۵۱۷ و ۰۹۱۶۷۳۰۰۶۳۸

اهواز: ۰۹۱۶۶۰۱۰۶۲۴ حسینی - شاعین شهر: ۰۹۱۳۹۰۹۶۴۹۳ صارمی - حقیقت: ۰۹۱۳۲۱۱۹۴۲۲

تماس با نویسندة و اعلام نظر در مورد این کتاب:

ali.hmtrai@yahoo.com

بر هیچ محقق بی طرف، تاریخ نویس منصف و جستجوگر حقیقت طلب و آزاداندیشی پوشیده نیست که:

هشت سال جنگ تحمیلی بر ایران و دفاع مقدسی که با روح عاشورایی صورت گرفت، با تمامی جنگ های تاریخ ایران زمین و حتی جهان متفاوت بود؛ تفاوت های اساسی آن را می توان از جهت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اعتقادی، عرفانی و... مورد بررسی قرار داد.

از نظر نظامی - طبق اسناد موجود - یک جنگ تمام عیار و کاملاً نابرابر و غیرمنتظره، توسط قوی ترین ارتش خاورمیانه، با پشتیبانی مستقیم دو ابرقدرت شرق و غرب - آمریکا و شوروی - و حمایت عموم کشورهای اروپایی و آسیایی به ویژه کشورهای عربی منطقه، بر کشوری که تازه یک انقلاب مردمی در آن صورت گرفته بود، جهت سرنگونی و تجزیه ی آن، تحمیل گردید و تمامیت ارضی آن مورد هجوم و تاخت و تاز قرار گرفت. طبق محاسبات دقیق - اما ظاهری دشمن - قرار بود حداکثر در مدت چهل و هشت ساعت، استان خوزستان تصرف شده، سپس به طرف پایتخت روانه شوند و با فتح تهران، انقلاب را سرنگون، ایران پهناور را تجزیه و نظام مورد دلخواه خود را جایگزین نمایند.

اما حامیان از جان گذشته انقلاب نوپا اسلامی که از حداقل امکانات ابتدایی برخوردار بودند و گاهی با دست خالی و سلاح عشق به مکتب و ایمان به خدا، در مقابل مجهزترین ارتش خاورمیانه به مقاومت برخاسته و ربابای شیرین و شیطانی دشمن را به کابوسی هولناک و سراسر خاک اشغال شده را به باتلاقی گریزناپذیر و گورستانی برای عموم متجاوزان تبدیل ساختند.

از جهت اقتصادی، جمهوری اسلامی در محاصره‌ی کامل اقتصادی و تحریم همه جانبه‌ای قرار گرفت.

در زمینه سیاسی و روابط بین‌الملل، در پایین‌ترین درجه از روابط دیپلماتی قرار داشت. به گونه‌ای که با قطع رابطه عموم کشورها، ایران به انزوای کامل رانده شد. تا جایی که هیچ کشوری حاضر به ایجاد رابطه و حمایت از او نمی‌گردید. با توجه به این هماهنگی جهانی، هجوم سراسری و همه جانبه و غافلگیر شدن ایران اسلامی، دشمن موفق گردید در کم‌ترین فاصله زمانی، برخی شهرهای مرزی را اشغال کرده یا به محاصره انداخته و بخش وسیعی از خاک خوزستان و غرب کشور را به تصرف خود در آورد. دشمن تا دندان مسلح و کینه‌توز، همزمان با پیشروی، اقدام به کشتار و قتل عام مرزنشینان و مردم مناطق اشغالی، موشک باران شهرها، بمباران شهروندان بی‌دفاع، مراکز حیاتی، تاسیسات نفتی و گازی، فرودگاه‌ها و ... نمود.

با ارتکاب بی‌رحمانه‌ترین کشتارها و غیرانسانی‌ترین جنایات، سیاه‌ترین و شرم‌آورترین کارنامه را از خود در طول تاریخ بشریت بر جای نهاد.

با گذشت یک‌سال از اشغال خاک وطن، همزمان با مقاومت و دفاع حماسی مدافعان انقلاب، تحولاتی در کشور صورت گرفت که با عزل ریاست جمهوری وقت - بنی‌صدر - به دستور حضرت امام خمینی (ره)

به خیانت‌های آشکار، سهل‌انگاری در مقاومت، عدم برخورد جدی با متجاوزان، تخریب و تضعیف نیروهای حزب‌الله و ... خاتمه داده شد و فرماندهی و مدیریت جنگ به دست مدافعان انقلاب و مردم حزب‌الله انتقال یافت.

با تغییر مدیریت جنگ و اجرای عملیات‌های تهاجمی کوچک و بزرگ، ضربات بی‌درپی به متجاوزین و ارتش مقتدر و به ظاهر فاتح و تا دندان مسلح عراق وارد آمد. همت پوشالی او و حامیانش در هم شکسته شد و با برجای نهادن تلفات سنگین انسانی، خسارات بی‌شمار نظامی و رسوایی جهانی مجبور به فرار و عقب‌نشینی گردید.

مجامع بین‌المللی و دشمنان با مشاهده این شکست‌ها، مجبور به اعتراف به عظمت جمهوری اسلامی و اقتدار رزمندگان اسلام گشتند.

تمامی خاک وطن، با عشق و از جان گذشتگی رزمندگان، و جب به وجب آزاد گردید. دشمن تا پشت دروازه‌های بزرگ‌ترین شهرهایش به عقب رانده و تعقیب شد تا مجازات شود.

بارها به طور رسمی در مقابل هجوم‌های بی‌آسای رزمندگان ایرانی اظهار ناتوانی و شکست کردند.

تا این‌که بالاخره به علل متعددی - که در تاریخ دفاع مقدس ثبت گردید - جنگ به پایان رسید و اقتدار جمهوری اسلامی در جهان تثبیت گردید. ابهت ابرقدرت‌ها و اقتدار و انسجام حامیان دیکتاتور عراق در هم شکسته شد.

ایران اسلامی به عنوان یک کشور مقتدر، شکست‌ناپذیر، کامل مردمی و متکی به نیروی ایمان در جهان مطرح گردید. دفاع مقدس، ده‌ها برکات و فوائد حیاتی دیگر برای مردم و نظام اسلامی و دیگر مسلمانان جهان به ارمغان داشت که هر کدام در جای خود قابل درنگ و بسیار مشروح است؛

اما بر اساس تحقیقات به عمل آمده و نظرسنجی‌های داخلی و خارجی، چیزی که جنگ هشت ساله ایران را از تمامی جنگ‌های ایران زمین و جهان جدا کرده و برتری بخشید، عامل اعتقادی بودن آن و برخورداری عموم رزمندگان از پشتوانه تفکر دینی و روحیه عمیق عرفانی و عشق به رهبرشان، امام خمینی(ره) و دیگر مقدسات بود.

عموم کسانی که داوطلبانه دست از هستی و جان خود شسته و پا به میدان می‌نهادند، تنها با انگیزه اطاعت عاشقانه از فرمان امام خمینی، دفاع از انقلاب و ارزش‌های اسلامی و حفظ حاکمیت نظام بود و نه هیچ عقیده و انگیزه‌ای دیگر.

رزمندگان همواره با چنین انگیزه‌ای الهی سعی جدی داشتند تا روح و روان خود را پیوسته با معارف، اخلاق و عرفان اسلامی آراسته کرده و با ایجاد ارتباطی عمیق با خداوند اشتیاق رسیدن به وعده‌های الهی - که به بندگان صالح خود داده بود - در این دفاع مقدس شرکت نموده و هر روز در کسب فضایل اخلاقی، بالا بردن روحیات عرفانی، شجاعت و از خود گذشتگی، همراه با خدمتی خالصانه و تقویت ایمان در کنار آموزش‌های نظامی از یکدیگر پیشی گیرند.

با چنین فرهنگ و روحیاتی دیری نباید که اخلاق اسلامی و عرفان عملی به عنوان یکی از اصول زیربنایی و ارزشی پایدار در سراسر جبهه‌ها حاکم گردید و میان رزمندگان به عنوان فرهنگی فراگیر و عمومی تثبیت شد. تا جایی که رزمندگان به تدریج در مسیر سیر و سلوک الی الله یا همان عرفان عملی قرار گرفتند و دیری نباید که این فرهنگ توانست از هر رزمنده عاشق، سالکی پا در رکاب ساخته که هر روز پله‌ای از نردبان قرب حق را پیموده و به خداوند نزدیک‌تر می‌شدند. عاشقانی با دلی پاک و روح الهی که در فراغ شهادت و ملاقات با خدا می‌سوختند و در آتش

هجران بی صبرانه انتظار می کشیدند.

این حقیقت انکارناپذیر که رمز پایداری و سبقت از یکدیگر برای رسیدن به پیروزی یا شهادت بود را به راحتی می توان در تمامی آثار برجای مانده از آنان، از وصیت نامه ها، یادداشت ها، سخنان، دفتر خاطرات و مصاحبه ها گرفته تا عکس و فیلم و گفتگوهایشان مشاهده کرد.

من هم مانند بسیاری از رزمندگانی که سال های نشاط جوانی خود را در جنگ و اسارت سپری کردند، این حقایق را از نزدیک لمس کرده و با تمام وجود بر این باورم که اصلی ترین عامل نجات انقلاب و کشور از تمامی بحران ها، پیروزی در عملیات ها و رشد اخلاقی رزمندگان در کوتاه ترین مدت چیزی نبود جز همان فرهنگ عرفانی که در فضا و مدیریت جنگ حاکم بود. فرهنگی که اگر در هر کجای دیگر وارد شده و نهادینه گردد، بسیار سازنده و احیاگر خواهد بود و به آسانی می تواند چنین جوانانی عاشورایی و عارف مسلک تحویل جامعه دهد.

فرهنگی که توانست با برداشتن سخت ترین موانع، راه های رشد و شکوفایی را فرا روی رزمندگان نهاده، آنان را به عالی ترین درجات از کمالات اخلاقی رسانده و تبدیل به انسان هایی آسمانی نماید.

با توجه به اهمیت این موضوع، در این دفتر بر آنم تا در قالب چند داستان حقیقی که به عنوان خاطره از آن دوران بر جای مانده، تعریفی روان از عرفان عملی و مبانی اعتقادی مدافعان اولیه انقلاب، ارائه کرده و به برخی از علانم مجاهدان اهل معرفت در جبهه حق اشاره نمایم.

خاطراتی که پرده از برخی حقایق برمی دارد و مراحل رشد و تکامل آن ها در پرتو آن فرهنگ، چگونگی رسیدن بسیاری از آنان به درجات معنوی و مقامات عرفانی زیر پوشش تعالیم اسلامی، ملکوتی شدن وجودشان بعد از ترک تمامی دلبستگی های دنیوی و بریدن از غیر خدا، عاشق ملاقات

خدا شدن و رفتن به استقبال شهادت را به ما نشان می‌دهد.

مردانی که با جاری شدن چشمه‌های نور و حکمت الهی از قلب به زبان و اعمالشان در پرتو تهذیب نفس و اخلاص، به مقام عشق صادق رسیده و با آراسته شدن به اوصاف اهل حق در زمره دوستان خداوند قرار گرفتند، به حقایق عالم هستی عارف گشتند تا جایی که ظاهر و باطنشان یک بارچه الهی گردید. با چنین روح عرفانی و روحیه‌ای حماسی، قدم به میدان دفاع مقدس نهاده و با روحیه شهادت طلبی از یکدیگر پیشی می‌گرفتند. هنگام رویارویی با دشمن، زیرباران آتش و انواع گلوله‌ها، نه تنها ذره‌ای ترس از مرگ و هراس از دشمن به دل راه نداده بلکه چون صاعقه بر آنان می‌تاخید، استحقاقات و خطوط دفاعی را در هم شکسته، حماسه‌های جاوید و ماندگار آفریده و برگ‌هایی سبز و زرین به تاریخ شکوهمند انقلاب اسلامی و کارنامه پر افتخار دفاع مقدس افزودند.

امید است با سرلوحه قرار دادن اندیشه زندگی و مبارزات آنان بتوانیم آن فرهنگ انسان‌ساز، مردپرور و عرفانی را در جامعه و زندگی خود زنده و جاری نماییم تا روح خسته و زنگار گرفته خود را در چشمه سار زلال عرفان ناب اسلامی شستشو داده و آن را در تمام عرصه‌های زندگی، زنده و پویا نگه داریم.

بازمانده‌ای از قافله‌ی نور علی حسینی منجری ۱۳۸۶/۷/۱